

مقایسه «رجاء» در قرآن و مزامیر

قربان علمی*

دانشیار ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مجید نائمی**

کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه تهران، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۹)

چکیده

«رجاء» عاملی حیاتی در زندگی انسان و جزء لاینفک آن است. نبود آن آدمی را به یأس و افسردگی دچار کرده، روند طبیعی زندگی انسان را متوقف می‌سازد؛ زیرا بدون امید، انسان تلاشی برای ادامه حیات و برآوردن نیازهای زندگی خویش نخواهد کرد. ادیان الهی نیز بر اهمیت و نقش این خصوصیت روانی انسان آگاه بوده‌اند و در متون خود به آن بسیار پرداخته‌اند. این پژوهش مفهوم و جایگاه امید را در کتب مقدس دو دین اسلام و یهود مورد بررسی قرار داده است. آیات متعددی در قرآن وجود دارد که با تأکید بر صفات رحمت و بخشاینده‌گی خداوند، امید را در دل مؤمنان زنده نگه می‌دارد. آیاتی نیز وجود دارد که ناامیدی را تقیح کرده، به مؤمنان امید می‌دهد. در *مزامیر* نیز بر امید به عنوان عامل محرکه انسان تأکید فراوانی شده است. در جاهای مختلفی از *مزامیر* که قوم دچار ناامیدی می‌شوند، پیامبران یهود شروع به امیدبخشی به مردم می‌کنند تا آنها را به زندگی عادی خود برگردانند و این اهمیت امیدبخشی را در *مزامیر* به خوبی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: رجاء، قرآن، عهد عتیق، *مزامیر*، خداوند.

* E-mail: gelmi@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: maj.naemi@gmail.com

مقدمه

انسان‌ها در برخورد با مشکلات پیش روی خود، عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند. برخی در مقابل آن خم به ابرو نیاورده، به راحتی از پس آن برمی‌آیند. برخی دیگر در برابر کوچکترین پیشامد تلخ، خود را می‌بازند و تسلیم می‌شوند. آنچه مرز میان شکست و پیروزی را مشخص می‌کند، امید است. امید برای انسان به مانند بال برای پرنده است که به او قدرت پرواز می‌دهد. امید به انسان برای ادامه حیات او، انگیزه و اراده می‌دهد. با امید است که زندگی انسان معنا پیدا می‌کند. از این رو، می‌توان گفت رجاء یا امید جزء لاینفک وجود آدمی و عامل تحرک انسان است و پیشینه رجاء به آغاز خلقت انسان برمی‌گردد. هر جا انسان باشد، رجاء نیز مطرح است. به همین سبب، همه ادیان الهی بر اهمیت این حالت روانی انسان در مسیر رسیدن به اهداف خود که همان سعادت است، تأکید ورزیده‌اند و آن را مهم‌ترین عنصر ایمان دانسته‌اند. این ادیان در متون مقدس خود بر آن تأکید کرده، آن را عاملی مهم در حرکت و زندگی بشر برشمرده‌اند و آن را عاملی برای تصحیح باورها و کنش‌های خویش و بازسازی و اصلاح اعمال و رفتار خود دانسته‌اند. امید از مفاهیم مهم، تأثیرگذار و پرکاربرد در قرآن و مزامیر است. این مفهوم در سراسر این متون به صورت لغوی و یا به صورت آیات تبشیر که تأکید بر صفات رحمت خداوندی دارند، به کار رفته است. این مفهوم به حالت روانی در آدمی اشاره دارد که رفتار فردی و اجتماعی او را تنظیم می‌کند. از این رو، با توجه به نقش مهمی که امید در زندگی انسان دیندار دارد، بررسی آن را در متون دینی ضروری می‌نماید. بررسی مقایسه‌ای امید در متون دینی گوناگون به روشن شدن مفهوم و جایگاه آن کمک خواهد کرد. این مقاله درصدد بررسی مقایسه‌ای رجاء در قرآن و مزامیر و نیز پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- معنا و مفهوم «رجاء» چیست؟

- این دو متن در طرح این مسئله چه هدفی را دنبال می‌کنند؟

- متعلق رجاء چیست؟

- آثار و نتایج مترتب بر آن کدامند؟

- جایگاه رجاء در این کتب چگونه است؟

- آیا آثار و نتایجی که در هر دو کتاب از این مفهوم انتظار می‌رود، یکسان است یا تفاوت‌هایی وجود دارد؟

شناخت این مفهوم در هر دو کتاب و بررسی ویژگی‌های مختلف آن در این منابع به ما کمک خواهد کرد تا بینیم این دو متن این جنبه از حالت روانی انسان را در حیات انسان چقدر مؤثر می‌دانند.

۱- رجاء در قرآن

«امید» در فارسی به معنای «دل بستن»، «توقع»، «انتظار» و «چشم‌داشت» (ر.ک؛ دهخدا، ج ۳: ۳۳۹۰) است. معادل عربی آن رجاء است و در قرآن به شکل‌های مختلف آمده است. رجاء در اصل از ماده «رجو»، به معنای امید داشتن و جمع آن، ارجاء به معنای اطراف و جوانب چیزی به کار رفته است. رجاء، گمان و پنداری است که اقتضای رسیدن به شادی در آن است (ر.ک؛ شریعتمداری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۴۴). رجاء به معنای امیدواری است و در قرآن، امیدواری به فضل و رحمت خداوند یکی از ویژگی‌های انسان‌های صالح و نیکوکار شمرده شده است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.، ج ۲: ۵۴). ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (البقره/۲۱۸). رجاء در اصطلاح، عبارت از انبساط و سرور در دل به جهت انتظار امر محبوبی پس از فراهم آوردن اسباب آن است (ر.ک؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰۹۶).

۱-۱) واژه‌های مرتبط با رجاء در قرآن

موضوع امید در بسیاری از آیات قرآن با مشتقات «عسی»، «امل»، «لعل»، «طمع» و «رغبه» به کار رفته است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱ عسی

فعل جامد و به معنی ترجی و امیدواری در چیز محبوب است (ر.ک؛ قریشی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۵۳). راغب می‌گوید: «عسی یعنی طمع ورزیدن و امیدوار شدن» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.، ج ۲: ۶۰۰). در لغت عرب، در مواردی گفته می‌شود که امید به تحقق چیزی می‌رود و از آنجا که این معنی احیاناً توأم با «جهل» یا «عجز» است، بسیاری از مفسران آن را در قرآن به معنی امید دیگران از خدا تفسیر کرده‌اند، ولی هیچ مانعی ندارد که این واژه در کلام خداوند، همان معنی اصلی خود را داشته باشد؛ زیرا گاهی برای وصول به یک هدف شرایطی لازم است که هرگاه بعضی از شرایط حاصل نباشد، این تعبیر به کار می‌رود.

راغب در کتاب مفردات در تفسیر «عسی» و «لعل» و این گونه کلمات می‌گوید: «این تعبیرات برای امیدواری دادن به مخاطب و شنونده است، نه اینکه امیدواری گوینده را بیان کند؛ به عبارت روشن‌تر، هنگامی که خداوند می‌فرماید "عسی" و "لعل"، معنی آن "امیدوارم" نیست، بلکه معنی آن "امیدوار باشید" است» (شریعتمداری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۷۳). ﴿...عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ...﴾: امیدوار باشید که خداوند دشمنانتان را هلاک کند ﴿(الأعراف / ۱۲۹)﴾؛ ﴿...فَعَسَىٰ اللَّهُ أَن يَأْتِيَّ بِالْفَتْحِ...﴾: به آوردن پیروزی از سوی خداوند امیدوار باشید ﴿(المائدة / ۵۲)﴾.

۱-۱-۲ لعل

به معنی «شاید و به این امید» و از حروف مشبهة بالفعل است و برای امید و افاده ترجی به کار می‌رود. قرآن این کلمه را در جایی به کار می‌برد که گرفتن نتیجه، احتیاج به شرایطی دارد که با کلمه «لعل» اشاره اجمالی به آن شرایط شده است؛ مثلاً سکوت به هنگام شنیدن آیات قرآن و گوش فرادادن به مضمون آیات به تنهایی کافی نیست که انسان مشمول رحمت الهی شود، بلکه علاوه بر آن، درک و فهم آیات و به کار بستن آنها نیز لازم است (ر.ک؛ شریعتمداری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۷۳). لذا قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ ﴿(الأعراف / ۲۰۴)﴾.

۱-۱-۳) امل

آرزویی است که به دست آوردن آن بعید و با شک و کاش همراه است (ر.ک؛ بیات، ۱۴۲۱ق: ۷۳) و به تعبیر عرب، به معنای امید و آرزو و نیز عامل حرکت دهنده چرخ‌های زندگی انسان است که حتی اگر یک روز در دل‌های مردم جهان نباشد، نظام زندگی آنها به هم می‌خورد و کمتر کسی دلیل برای کارهای خود پیدا می‌کند (ر.ک؛ شریعتمداری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۹۱). در آیه زیر، «امل» به معنای امید به کار رفته است: ﴿...وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾ (الکهف / ۴۶).

۱-۱-۴) رغبه

اصل رغبته، گشایش و فراخی در چیزی است. رغبته اگر با «فی» متعدی شود، به معنی مایل بودن و گرایش یافتن است و اگر با «عن» متعدی شود، به معنای «دوری و بی میلی نسبت به چیزی» است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۸۶). در قرآن کریم آمده است: ﴿إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ﴾ ما به سوی پروردگاران مایل شدیم ﴿(التوبه / ۹۵). در جای دیگر نیز می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ...﴾ و هر کس از آیین ابراهیم رویگردان شود... ﴿(البقره / ۱۳۰). رغبته در برخی آیات قرآن به معنای امید به کار رفته است؛ همانند آیه زیر: ﴿...إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا...﴾ کسانی که در کارهای خیر پیشی گرفتند و در حال بیم و امید ما را خواندند ﴿(الأنبياء / ۹۰).

۱-۱-۵) طمع

طمع به معنای چشم داشتن و امید بستن است (ر.ک؛ شریعتمداری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۴). از معانی دیگر طمع، تمایل به چیزی از روی آرزوی شدید و آزمندی است و چون طمع ورزیدن در باب میل و هوای درونی است، به همین سبب، درباره آن گفته‌اند: «الطَّمَعُ طَبْعٌ طَبْعٌ طَبْعٌ» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۵۰۰). در قرآن کریم، واژه «طمع» در برخی جاها به معنای امید به کار رفته است؛ مانند آیه ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا

وَطَمَعًا...: در زمین پس از اصلاح خلاف نکنید و او را با بیم و امید بخوانید ﴿النساء/ ۵۶﴾. از مجمع‌البیان نقل شده که طمع، علاقه نفس است به نفع مظنون، و امل و رجاء، هم‌معنی آن و یأس، نقیض آن است (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۳۸). در فروق‌اللغه در مقایسه بین «رجاء»، «امل» و «طمع» این گونه آمده است: «طمع به معنی میل کردن به چیزی است که به دست آوردنش نزدیک باشد، اما رجاء حد وسط بین طمع و امل است» (بیات، ۱۴۲۱ق: ۷۳).

۲-۱ ماهیت رجاء

در اصطلاح علم اخلاق، امید به معنای راحتی و لذتی که انتظار تحقق امری محبوب در دل حاصل می‌شود. راحتی قلب وقتی رجاء است که آدمی بسیاری از اسباب رسیدن به محبوب را فراهم آورد و گرنه توقع چیزی بدون اسباب آن، رجاء نیست. اگر انسان زمین دل خود را از خس و خاشاک پاک کند و تخم ایمان را در آن بپاشد و آب طاعت بر آن جاری کند و آنگاه به لطف خدا امیدوار باشد که او را پیامرزد و از سوء خاتمه نگه دارد، این امیدواری رجای محمود است و نزد عقل و شرع پسندیده است. پس آیات و اخبار وارده در مدح فضیلت رجاء، مخصوص صاحب عمل صالح است که در دنیا و آخرت در لذت فرونرفته‌اند. در قرآن کریم نیز آمده است: ﴿...فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا...﴾ (الکهف/ ۱۱۰).

۳-۱ فضیلت رجاء

عمل از روی امیدورزی، برتر و بهتر از عمل از روی ترس و خوف است؛ چرا که نزدیکترین بندگان به خداوند بنده‌ای است که او را بیشتر از هر چیز و هر کس دوست داشته باشد و آنچه که دوستی را در قلب ازدیاد می‌بخشد، «امید» است. «خوف» و «رجاء» به یک اعتبار به دو فردی تشبیه شده‌اند که یکی از روی ترس از عقاب و دیگری از روی امید به فضل خداوند کاری را انجام می‌دهند. از این رو، خداوند مردمانی را که نسبت به خدا گمان خوش ندارند، سرزنش کرده است و می‌فرماید: ﴿...وَوَظَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا: و ظن و گمان بد بردید و شما مردمانی هلاکت‌زده بودید﴾ (الفتح/ ۱۲). امید داشتن و ظن نیکو مورد تأکید روایات نیز است؛ چنان که در خبری آمده است که خداوند متعال به موسی^(ع) وحی فرمود: «مرا

دوست بدار و نیز دوستدارم را دوست بدار و مردمان را دوستان من کن. گفت: خداوند! مردمان را چگونه دوستان تو کنم؟! فرمود: مرا به نیکویی و بخشندگی یاد کن، نعمت و احسان‌های زیبایم را برایشان یاد کن تا آنجا که جز زیبایی از من نشناسند و ندانند» (حرّ عاملی، بی تا: ۵۰). علاوه بر این، رجا نسبت به بنده، از حیث خاستگاه و جوشش نیز برتر از خوف است؛ چرا که خاستگاه امید، دریای رحمت خداوندی است، حال آنکه آبخور «خوف»، دریای غضب است. کسی که صفات مقتضی لطف و رحمت خداوند را در نظر بگیرد، در وجودش محبت بیش از اوصاف دیگر خواهد بود و چه مقامی بالاتر از «محبت الهی»؟! اما خوف از روی التفات به صفت‌هایی حاصل می‌شود که غضب آن را اقتضا می‌کند و محبتی که آمیخته با رجاء است، از آن حاصل نمی‌شود. بالاترین چیزی که سبب امید بندگان خداست، این است که خداوند متعال، «خیر محض» است و شری در او وجود ندارد. فیاض مطلق اوست که خلق را آفرید تا به آنها بخشش و احسان نماید. پس بی‌شک به آنها ترخّم روا خواهد داشت و هرگز آنها را دایم در عذاب و زجر رها نمی‌کند» (نراقی، ۱۳۸۵: ۳۴۲-۳۴۳).

۱-۴) متعلقات رجاء

مسئله دیگری که درباره رجاء مطرح می‌شود، این است که رجاء به چه امر یا اموری تعلق دارد و باید به چه چیزی امید داشت! در قرآن، در کنار امید به متعلقات آن نیز اشاره می‌شود که برخی از آنها به شرح زیر است:

- امید به خداوند و رحمت واسعه او؛ مثلاً در آیه ۲۱۸ سوره بقره می‌خوانیم: «کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت نموده‌اند و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آن‌ها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است».

- امید به قیامت؛ مثلاً در سوره آیه ۳۶ سوره عنکبوت می‌خوانیم: «و ما به سوی مدین، برادرشان شعیب را فرستادیم. گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، به روز بازپسین امیدوار باشید و در زمین فساد نکنید!».

- امید به دیدار خداوند؛ مثلاً در آیه ۵ سوره عنکبوت می‌خوانیم: «کسی که امید به لقاءالله (و رستاخیز) دارد، (باید در اطاعت فرمان او بکوشد)؛ زیرا سرآمدی را که خدا تعیین کرده، فرامی‌رسد؛ و او شنوا و داناست!».

- امید به تجارت زوال‌ناپذیر؛ مثلاً در آیه ۲۹ سوره فاطر می‌خوانیم: «کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، تجارتی (پُرسود و) بی‌زیان و خالی از کساد را امید دارند».

- امید به پیروزی خدا؛ مثلاً در آیه ۱۴ سوره جاثیه می‌خوانیم: «به مؤمنان بگو: کسانی را که امید به ایام‌الله (روز رستاخیز) ندارند، مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دادند، جزا دهد».

افزون بر این، موارد دیگری در قرآن آمده که درباره «امید» است؛ مثل: امید به یاری خدا در مقابل کفار (النساء / ۸۴)، امید به بخشش خداوند (النساء / ۹۹)، امید به نجات و بهشت الهی (التوبه / ۱۸ و التحريم / ۸)، امید به گرایش به تقوا (البقره / ۲۱ و ۶۳)، امید به شکرگزاری خداوند (البقره / ۵۲)، امید به هدایت یافتن (البقره / ۵۳)، امید به رستگاری (البقره / ۱۸۹)، امید به پند گرفتن و متذکر شدن (الأنعام / ۶۵ و ۱۵۲)، امید به بازگشت به سوی حق (الأعراف / ۱۷۴ و ۱۶۸)، امید به عمل به عهد و پیمان (التوبه / ۱۲)، امید به تسلیم شدن در برابر امر الهی (النحل / ۸۱)، امید به جاودانگی (الشعراء / ۱۲۹) و امید به نزدیکی رستاخیز (الأحزاب / ۶۳).

۱-۵) اقسام رجاء

رجاء در قرآن کریم به امور متعددی تعلق گرفته که با عنوان امور دنیوی و امور معنوی و الهی بحث می‌شود. در اینجا مختصراً به آیات مربوطه اشاره می‌شود.

۱-۵-۱) رجاء در امور دنیوی و مادی

گاهی متعلق امید، امری دنیوی است؛ چنان‌که یعقوب^(ع) امید داشت خداوند همه فرزندان او را نزد او جمع آورد. یا موسی^(ع) امید داشت آتش بیارود تا خانواده خود را گرم کند و نیز

همسر فرعون امید داشت که موسی برای وی و فرعون سودی داشته باشد. برخی از مواردی که در قرآن کریم، امید به امور مادی و دنیوی تعلق گرفته است، عبارتند از:

الف) امید به نزول باران:

نشان دادن صاعقه و برق‌های آسمانی، امیدبخش نزول باران است: ﴿هُوَ الَّذِي يَرْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا: او کسی است که رعد و برق راترساننده و امیدبخش نزول باران نشان می‌دهد﴾ (الرعد / ۱۲).

ب) امید به گشایش روزی و بهبود وضعیت اقتصادی:

﴿وَإِنَّمَا تُعْرَضُونَ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا: اگر به خاطر نداشتن از فقیر روی گردانی می‌کنی امید داشته باش به رحمت خداوند و با آنها به نرمی سخن بگو﴾ (الإسراء / ۲۸).

ج) امید باقیات صالحات به جای مال و فرزند

امید بستن به مال و فرزند در مقایسه با امید به ثواب خداوند و در مقابل او، امری پوچ و بی‌فراجم خواهد بود: ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا: مال و فرزند زینت زندگی دنیاست، ولی اعمال صالحی که انسان از خود به جای می‌گذارد، نزد پروردگار ثواب و امید بیشتر و بهتری دارد﴾ (الکهف / ۴۶).

۱-۵-۲) امید در امور معنوی و الهی

در آیات فراوانی، امید به امور معنوی و الهی تعلق گرفته است که برخی از این امور عبارتند

از:

الف) امید به آخرت:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾: به درستی که رسول خدا برای شما الگوی نیکویی است برای هر کس که به خداوند و روز قیامت امید داشته باشد و خدا را بسیار یاد می‌کند ﴿(الأحزاب / ۲۱)﴾.

ب) امید به عفو الهی:

﴿فَأُوْتِيكَ عَسَى اللَّهُ أَن يَغْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا عَفُورًا﴾: امید است که خداوند ایشان را ببخشد و خداوند بخشنیده‌آمرزگار است ﴿(النساء / ۹۹)﴾.

ج) امید به رحمت الهی:

﴿...وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾: او را با بیم و امید بخوانید که رحمت الهی به نیکوکاران نزدیک است ﴿(الأعراف / ۵۶)﴾.

د) امید به هدایت الهی:

﴿...وَقُلْ عَسَىٰ أَن يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا﴾: و بگو: باشد که پروردگارم مرا به راهی نزدیکتر از این به ثواب هدایت کند ﴿(الکهف / ۲۴)﴾.

ه) امید به رستگاری:

﴿فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ﴾: و اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و نیز کاری شایسته انجام دهد، امید است که از رستگاران باشد ﴿(القصص / ۶۷)﴾.

و) امید به لقاء الله:

﴿مَن كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾: هر کس که به لقاء الهی امید داشته باشد، بداند که اجل مقرر الهی آمدنی است و او شنوای داناست ﴿(العنکبوت / ۵)﴾.

۶۱) آثار رجاء

از آیات قرآن کریم می‌توان آثار گوناگونی برای امید استنباط کرد:

الف) رهایی از رسیدن به بُن‌بست

انسان امیدوار هرگز خود را در بُن‌بست نمی‌یابد و همواره در عمق تاریکی‌های مشکلات زندگی، مصایب و ناملايمات روزانه، به سوی روشنایی پیش روی خود حرکت می‌کند. شاید یکی از اسرار اینکه در اسلام و دیگر ادیان الهی، خودکشی ممنوع اعلام شده‌است، همین باشد که با امیدواری به خدا منافات دارد. خودکشی نشانه رسیدن به نهایت یأس و نومیدی است، حاکی از اعتقاد به بسته شدن همه درها و تسلیم شدن در برابر مشکلات زندگی است. اسلام به انسان اجازه نداده است که درباره هستی خود و دیگران و امور زندگی چنین بیندیشد، بلکه به انسان‌ها می‌آموزد که خدا انسان را به حال خود وانگذاشته، دایم با اوست. قرآن درباره نهي از ناامیدی می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ...﴾ بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید ﴿(الزمر/۵۳). در آیه دیگر، یأس از رحمت خداوند را به شدت نکوهش فرموده‌است و آن را مساوی کفر و گمراهی معرفی می‌فرماید: «جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود؟!﴾ (الحجر/۵۶). یا در جایی می‌فرماید: ﴿...إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (یوسف/۸۷).

ب) کاهش ترس و اضطراب

هر کس امید به بهبودی امور و اصلاح کارها را از دست بدهد، نسبت به آینده و سرانجام کار دچار ترس و اضطراب می‌شود. چیزی که می‌تواند از ترس او کم کند و به اضطراب او خاتمه دهد، امیدواری است. برای فرد مذهبی باورمند به شناخت‌ها و ارزش‌های اسلامی که می‌داند سررشته همه امور در دست خداست و او قادر بر هر کاری است و می‌تواند بدی‌ها را به نیکی بدل نماید و انسان را از خواری گناه با «توبه» به اوج عزت و سربلندی بندگی برساند،

خداوندی که می‌تواند کائنات را با سرانگشت حکمت و تدبیر بچرخاند و اداره کند، برای چنین انسانی، کمترین دلیلی برای ناامیدی وجود ندارد. حضرت علی^(ع) در حدیثی در این باب می‌فرماید: «آگاه باش! هر بلایی انتظار آن است که روزی برطرف شود؛ زیرا این یادآوری و ایجاد امید، به فرج و گشایش امور نزدیکتر است و نسبت به از میان رفتن اندوه و اضطراب و نیز رسیدن به مقصود، شایسته‌تر» (حسینی، ۱۳۸۳: ۵۶-۶۶).

ج) صدور اعمال صالح

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾: پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند ﴿(الکهف/ ۱۱۰).

د) صبر در برابر مشکلات

﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾: و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید؛ (زیرا) اگر شما درد و رنج می‌بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند، ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند؛ و خداوند، دانا و حکیم است ﴿(النساء/ ۱۰۴).

ح) برخورد نیکو با مستمندان

﴿وَإِنَّمَا تُغْرِضَنَّهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا﴾: و هرگاه از آنان [= مستمندان] روی برتابی و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو! ﴿(الإسراء/ ۲۸).

و) عبادت و انفاق در راه خدا

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ: در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتي بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد﴾ (فاطر / ۲۹).

۱-۷) موانع رجاء

الف) گمراهی

یکی از موانعی که از امیدوار شدن افراد جلوگیری می‌نماید، گمراهی است؛ زیرا وقتی انسان به کلی از راه حق منحرف و گمراه گشت، امیدی برای هدایت و رسیدن به رحمت و درک فیوضات الهی پیدا نخواهد کرد (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۴۱۶ق.، ج ۱۲: ۳۴۱): ﴿قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ: بگو:... جز گمراهان چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود؟﴾ (الحجر / ۵۶). «قنوط» عبارت است از یأس شدید و ناامیدی تمام و در حقیقت، قنوط از آثار و نتایج گمراهی می‌باشد.

ب) کفر

مانع دیگری که بر سر راه رجاء قرار دارد، کفر است، چون خداوند متعال، مبداء رحمت است و صفت رجاء، در ذات اوست و هرگز بندگان خود را از رحمت خویش مأیوس نمی‌کند، مگر آنکه دیگران خود را از انوار لطف او محروم سازند و این چیزی جز کفر نیست (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۲: ۸۷): ﴿لَا يَبَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ: تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند﴾ (یوسف / ۸۷ و نیز ر.ک؛ العنکبوت / ۲۳).

ج) وقوع مشکلات

یکی دیگر از موانع رجاء، بروز مشکلات است؛ چراکه انسان‌های تربیت‌نشده که قلبشان نور معرفت الهی را درک نکرده، به هنگام پشت کردن دنیا مایوس می‌گردند (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۲۰: ۳۲۰) که قرآن درباره آنها فرموده است: ﴿وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُؤْسُقْنُوهُ: و هر گاه شری به او رسد، بسیار مایوس و نومید می‌گردد!﴾ (فصلت / ۴۹).

۸-۱) یأس و ناامیدی و آثار آن در قرآن

یأس و ناامیدی از رحمت خداوند از گناهان کبیره محسوب می‌شود و از آن نهی شده است: «بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. تنها گمراهان هستند که از رحمت خداوند مایوس می‌شوند». در ادعیه و روایات اهل بیت^(ع) برخی از گناهان موجب ناامیدی شخص دانسته شده است (الزمر / ۵۳). آدمی باید در هر شرایطی به رحمت خدا امیدوار باشد؛ زیرا گاهی در اوج ناامیدی رحمت حق شامل حال بندگانش می‌شود: ﴿وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ: او کسی است که باران سودمند را پس از آنکه مایوس شدند، نازل می‌کند و رحمت خویش را می‌گستراند و او ولی و سرپرست) و ستوده است﴾ (الشوری / ۲۸ و نیز ر.ک؛ الروم / ۴۹ و یوسف / ۱۱۰).

در آیات دیگر نیز تأکید شده است که نباید هنگام وقوع سختی‌ها و مشکلات از رحمت حق ناامید شد (ر.ک؛ فصلت / ۴۹؛ هود / ۹؛ الإسراء / ۸۳ و الروم / ۳۶). ناامیدی از لقای الهی و آخرت پیامدهای ناگواری دارد؛ مانند داخل شدن در آتش جهنم (ر.ک؛ یونس / ۷، ۸ و ۱۱)، درخواست‌های نادرست از پیامبران و ایمان نداشتن به نبوت آنها (ر.ک؛ یونس / ۱۵ و الفرقان / ۲۱) و نزول عذاب الهی (الفرقان / ۴۰ و الجاثیه / ۱۴).

۹-۱) راهکارهای قرآنی برای ایجاد امید و دفع ناامیدی

قرآن برای امیدوار کردن انسان‌ها و ریشه‌کنی ناامیدی، زمینه‌های فراوانی را ایجاد نموده است؛ از جمله:

الف) ممنوعیت ناامیدی از رحمت الهی

یکی از تدبیرهایی که قرآن در این زمینه به کار گرفته این است که همه انسان‌ها را از ناامیدی منع نموده، به رحمت خداوند امیدوار کرده است: ﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا...﴾ از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است ﴿(الزمر / ۵۳)﴾ (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۱۴۳). با توجه به اینکه «قنوط» به معنی مأیوس شدن از خیر است، به تنهایی دلیل بر این است که گنهکاران نباید از «لطف الهی» نومید گردند (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۱۹: ۴۹۹).

ب) باز بودن راه توبه

ارتکاب گناه به منزله خراب کردن پُل‌های پشت سر و افتادن در مسیر هلاکت است، اما اسلام برای نجات انسان‌ها از تباهی نازل شده، راه بازگشت را برای گنهکاران باز گذاشته است تا امیدوارانه به جبران گذشته پردازند: ﴿وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾ (هود / ۹۰). این آیه خداوند را با دو صفت «رحیم» و «ودود» معرفی نموده که نشانگر عشق بی‌پایان او به بندگانش می‌باشد و این نکته بیانگر آن است که حتی با وجود بزرگترین گناهان نیز راه توبه باز است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۹: ۲۱۱).

ج) قبولی توبه و تبدیل سیئات به حسنات

زمینه دیگری که در قرآن برای گسترش نور امید در نظر گرفته شده، این است که علاوه بر باز بودن راه‌های توبه، نه تنها به بندگان، نوید قبولی توبه را داده، بلکه به آنها بشارت تبدیل سیئات به حسنات را نیز داده است: ﴿غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ...﴾ خداوندی که

آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، دارای مجازات سخت... است ﴿(غافر/ ۳). در مجموع، «غافر الذنب و قابل التوب» به منزله یک صفت است و به نوعی، به رفتار خدا با بندگان گنهکار اشاره دارد و آن اینکه ایشان را می آمرزد؛ گاهی با توبه و گاهی با شفاعت (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۷: ۴۶۰).

خداوند توبه پذیر، گناهان توبه کنندگان را به حسنات تبدیل می نماید: ﴿...إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا...﴾ مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می کند ﴿(الفرقان / ۷۰). از نظر مفسران، تبدیل گناهان به حسنات به سه طریق ممکن است:

- با اصلاح رفتار ناپسند خود بعد از توبه.
- خداوند سیئات اعمال او را محو می کند و به جای آن، حسنات می نشاند.
- منظور از سیئات، آثار سوئی است که از گناه بر روح انسان نشسته که با توبه تبدیل به آثار خیر می گردد (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۱۵: ۱۶۰-۱۶۱).
- پاداش چندین برابر از ناحیه خداوند؛ خداوند در قرآن به کسانی که با او معامله نمایند و در راه او انفاق کنند، وعده سود چند برابر می دهد: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً...﴾ کیست که به خدا قرض الحسنه ای دهد تا آن را برای او چندین برابر کند؟... ﴿(البقره / ۲۴۵). «اضعاف» جمع «ضعف» به معنی دو یا چند برابر کردن چیزی است و چون این واژه به صورت جمع آمده است و با کلمه «کثیره» مؤکد شده است و جمله «يضاعف» نیز بر تأکید بیشتری دلالت دارد، از مجموع این نکات استفاده می شود که خداوند برای انفاق کنندگان پاداش بسیار فراوانی قرار داده است و اینگونه پاداش دادن از ناحیه خداوند سبب می شود که افراد جامعه، بدون دلهره و با امید مضاعف، به یاری هم نوعان خود پردازند.

۲- رجاء در مزامیر

۲-۱) واژه‌شناسی رجاء

در مزامیر و به طور کلی، در عهد عتیق، هیچ کلمه عبری وجود ندارد که معنای دقیق «انتظار چیزی خوب» را داشته باشد، به طوری که در نسخه کینگ جیمز (kjv)، مفهوم امید (به صورت اسم و فعل) تقریباً مخفف ۱۵ کلمه عبری است که در جاهای دیگر به صورت دیگری ترجمه شده‌اند؛ برای مثال، Mibhtach (ارمیا ۱۷: ۱۷)، امید به معنای اعتماد (مزامیر ۴: ۴۰) و به معنای اطمینان (مزامیر ۶۵: ۵) ترجمه شده است. در نسخه تجدیدنظر شده در بیشتر موارد، مفهوم امید را برای اسم Tiqwah و فعل Yachal در نظر گرفته‌اند، اما سازگاری کامل امکان‌پذیر نیست (برای مثال، ر.ک؛ امثال ۱۰: ۲۸؛ همان ۱۱: ۲۳ و همان ۱۸: ۲۳). فقدان کلمه خاص برای امید به هیچ مقدار از ارزش آن در میان یهودیان نمی‌کاهد؛ زیرا دین مطرح در مزامیر، در میان همه امور دین، امید است؛ یعنی در خداوند متمرکز شده است و از آن سراسر رستگاری، نجات و برکات با اطمینان انتظار می‌رود (ر.ک؛ مزامیر ۳۱: ۲۴؛ همان ۳۳: ۱۸؛ همان ۲۲: ۲۳؛ همان ۳۹: ۷ و...). (ر.ک؛ دایرةالمعارف استنادارد بین‌المللی کتاب مقدس، ۲۰۰۸: مدخل «امید»). توجه به این نکته مهم است که واقعیت رجاء اغلب در جایی که آشکار می‌شود، کلمات دقیقی برای اشاره به آن وجود ندارد و مفهوم رجاء از سیاق متن برداشت می‌شود.

رجاء حالتی هیجانی و احساسی است که اعتقاد به نتایج مثبت را در باب حوادث، شرایط و پیشامدهای زندگی شخص افزایش می‌دهد و در مقابل آن، یأس و ناامیدی قرار می‌گیرد. رجاء احساس آن چیزی است که توقع آن می‌رود و می‌تواند باشد یا انتظار وقوع امری به بهترین وجه آن، یا عمل مشتاقانه و نیز به معنای منتظر چیزی بودن همراه با آرزو و اطمینان معقول یا احساس چیزی که آرزو داریم اتفاق بیفتد (ر.ک؛ Hope: Dictionary.com, 2013). تعریف‌های دیگری، همچون «پروردن آرزویی همراه با انتظار، آرزو و تمنای همراه با انتظار حصول آن» یا «با اعتماد به نفس منتظر بودن» (Merriam-Webster Dictionary, 2013: Hope)، نیز از رجاء صورت گرفته است. در دیکشنری انجیلی باکر، رجاء به معنای «اعتماد

کردن به» (Trust in)، «منتظر بودن» (Wait for)، «منتظر... بودن» (Look for) یا «میل به کسی یا چیزی داشتن»، یا «انتظار چیزی مفید و سودمند را در آینده کشیدن» معنی شده است (Nelson, 2013: 1).

رجاء به معنای انتظار خوش‌بینانه، به‌ویژه دربارهٔ تحقق وعده‌های خداوند است. رجاء مطرح در کتاب مقدس، انتظار یک نتیجه مطلوب با راهنمایی و هدایت خداوند است. به صورت خاص تر، امید اعتماد به آن چیزی است که خداوند در گذشته برای ما انجام داده است تا مشارکت ما را در آنچه که می‌خواهد در آینده انجام دهد، تضمین نماید. این تعریف با تعریف دنیوی از رجاء یا امید به عنوان «احساس اینکه آنچه که می‌خواهم اتفاق خواهد افتاد» متضاد است. بدین ترتیب، چنین می‌توان فهمید که امید می‌تواند یا به معنای نیک‌بینی بی‌اساس و یا به معنای اشتیاق مبهم نسبت به خوبی دست‌نیافتنی باشد. با این حال، اگر امید، امیدی اصیل باشد، باید در کسی که یافته می‌شود، زمینه قابل قبول و معقولی برای اعتماد و اطمینان به تحقق آن را فراهم بیاورد. اساس امید در کتاب مقدس، امید به خداوند و اعمال نجات‌بخش اوست (Dominy Bert, 2013: T2841).

۲-۲) کلمات مربوط به رجاء در عهد عتیق

کلماتی در عهد عتیق وجود دارد که به معنای رجاء است؛ از جمله:

الف) قوه یا کاوا (Qawah)، از ریشه Qwh که به صورت Kaw-vaw تلفظ می‌شود و می‌تواند به معنای رجاء در معنای اعتماد و توکل (Trust) باشد (Even-shoshan, 1990: 1007). همچنان که ارمیا خداوند را چنین خطاب می‌کند: «امید ما به توست» (ارمیا ۱۴:۲۲). همچنین، او برای تعلیم اینکه خداوند امید اسرائیل است (ر.ک؛ ارمیا ۱۴:۸؛ همان ۱۷:۱۳ و همان ۵۰:۷)، اسمی را به کار می‌برد که از ریشه Qwh تشکیل شده است و بدین معناست که خدای اسرائیل شایسته اعتماد و توکل است (Nelson, 2013: 1). این کلمه در حالت فعلی به معنای صبر کردن (to wait)، منتظر بودن (Look for)، امید داشتن (Hope) و انتظار داشتن (Expect) و نیز به معنای گرد آوردن و دور هم جمع شدن نیز آمده است. این اصطلاح در

نسخه (kjv)، ۴۹ بار به معانی مختلفی، از جمله: جمع شدن (یک بار)، مراقب بودن (۱۳ بار)، منتظر بودن (یک بار)، منتظر شدن و صبر کردن (۲۹ بار) و انتظار کشیدن (یک بار) استفاده شده است (Study light, 2013: Hope). این واژه با معانی که برای آن ذکر شد، در بخش‌های مختلف *مزامیر* به کار رفته است: (مزامیز ۲۵: ۳؛ همان ۲۵: ۵؛ همان ۲۵: ۲۱؛ همان ۲۷: ۱۴؛ همان ۳۷: ۹؛ همان ۳۷: ۳۴؛ همان ۳۹: ۷؛ همان ۴۰: ۱؛ همان ۵۲: ۹؛ همان ۵۶: ۶؛ همان ۶۹: ۶؛ همان ۶۹: ۲۰؛ همان ۱۱۹: ۹۵؛ همان ۱۳۰: ۵ و...).

ب) باطّح یا بطاح (Batach) از ریشه (Baw-takh) به صورت فعلی، الف) به معنای اعتماد و توکل (Trust) و به صورت اعتماد کردن، توکل کردن به، اطمینان داشتن، مطمئن بودن، دلیر و شجاع بودن و ایمن بودن و ب) احساس ایمنی و امنیت کردن آمده است (Even-shoshan, 1990: 165). در نسخه (kjv)، ۱۲۰ بار در معانی مختلف دلیری (۱)، بی‌دقتی (۱)، مطمئن (۲)، اطمینان (۴)، امید (۱)، امیدوار (۱)، مطمئن (Secure) (۴)، یقین (Sure) (۱) و اعتماد (۱۰۳) آمده است. کلمه باطّح به صورت اسم مذکر و به معنای امنیت، سلامت و اطمینان نیز ۴۲ بار در کتب عهد عتیق (kjv) به کار رفته است. در عهد عتیق، فعل Qawa برابر با Batach است که در *مزامیر* به معنای اعتماد و توکل کردن آمده است (ر.ک؛ *مزامیر* ۳-۲: ۲۵ و ر.ک؛ همان ۴: ۵؛ همان ۹: ۱۰؛ همان ۱۳: ۵؛ همان ۲۱: ۷؛ همان ۲۲: ۴؛ همان ۲۲: ۵؛ همان ۲۲: ۹؛ همان ۲۵: ۲؛ همان ۲۶: ۱؛ همان ۲۷: ۳؛ همان ۲۸: ۷؛ همان ۳۱: ۶؛ همان ۳۱: ۱۴؛ همان ۳۲: ۱۰؛ همان ۳۳: ۲۱؛ همان ۳۷: ۳؛ همان ۳۷: ۵؛ همان ۴۰: ۳؛ همان ۴۱: ۹؛ همان ۴۴: ۶؛ همان ۴۹: ۶؛ همان ۵۲: ۷؛ همان ۵۲: ۸؛ همان ۵۵: ۲۳؛ همان ۵۶: ۳؛ همان ۵۶: ۴؛ همان ۵۶: ۱۱؛ همان ۶۲: ۸؛ همان ۶۲: ۱۰؛ همان ۷۸: ۲۲؛ همان ۸۴: ۱۲؛ همان ۸۶: ۲؛ همان ۹۱: ۲؛ همان ۱۱۲: ۷؛ همان ۱۱۵: ۸؛ همان ۱۱۵: ۹؛ همان ۱۱۵: ۱۰؛ همان ۱۱۵: ۱۱؛ همان ۱۱۸: ۸؛ همان ۱۱۸: ۹؛ همان ۱۱۹: ۴۲؛ همان ۱۲۵: ۱؛ همان ۱۳۵: ۱۸؛ همان ۱۴۳: ۸ و همان ۱۴۶: ۳) (Study light, 2013: Hope).

ج) تیقواه (Tiqvah) از ریشه (tik-vaw) از ریشه (Tqwh) اسم جنس و به معنای الف) «ریسمان» و ب) «امید» و انتظار و زمین امید و نتیجه آمده است. این واژه در نسخه (kjv)، با معانی همچون

انتظار (۷ بار)، امید (۲۳ بار)، ریسمان (۲ بار) و اشتیاق به چیزی داشتن (۳۴ بار) به کار رفته است (Even- shoshan, 1990: 1238).

د) یاخَل یا ییحَل Yachal (Yaw-chal') از ریشه (Yxl) به صورت فعل به معنای منتظر بودن (to wait)، امید داشتن و انتظار داشتن (Expect) آمده است (Ibid: 464). این واژه در نسخه (kj)، ۴۲ بار به معنای امید داشتن (۲۲)، باقی ماندن (۱)، درنگ کردن (۳)، اعتماد (۲) و انتظار کشیدن (۱۲) به کار رفته است (Study light, 2013: Hope).

ه) خاساه Chacah (khaw-saw') از ریشه (Xsh) به صورت فعل به کار رفته است و به معنای پناه جستن و به دنبال پناهگاه گشتن، اعتماد کردن به (خدا) و اطمینان داشتن یا امید به خداوند است (Even- shoshan, 1990: 387). این کلمه ۳۷ بار در عهد عتیق (kjv) به کار رفته است.

کلمات دیگری همچون کِسل (Kecel) (Ibid: 555)، مَبَّاط (Mabbat) (Ibid: 618) و یاخیل (Yachiyl) در عهد عتیق به معنای امید و انتظار به کار برده شده اند (Dominy Bert, 203: 1).

۲-۳ معانی رجاء در مزامیر

رجاء در مزامیر به معانی گوناگون زیر آمده است:

الف) انتظار

منتظر شدن و انتظار همراه با صبر و خوش بینی به منظور دستیابی به مطلوب نیز در بخش های مختلف مزامیر برای اشاره به رجاء به کار رفته است: «من چه قوت دارم که انتظار بکشم و عاقبت من چیست که صبرنمایم؟» (ایوب ۶: ۱۱). باب ۴۰ مزامیر که درباره شکرگزاری است، درد و رنج شخصی را که در عین حال امیدوار است، بازگو می کند: «با صبر و حوصله منتظر خداوند شدم» (مزامیر ۴۰: ۱ و ر. ک؛ همان ۳۳: ۱۸؛ همان ۳۸: ۱۵؛ همان ۶۹: ۶؛ همان ۱۱۹: ۱۱۴؛ همان ۱۱۹: ۱۴۷؛ همان ۱۳۰: ۶۵ و...).

ب) اطمینان و امنیت

انسان امیدوار اطمینانی قلبی دارد و هیچ گونه نگرانی و تشویشی در او وجود ندارد. به همین دلیل است که در *مزامیر* نیز کلمه امنیت و اطمینان برای اشاره به رجاء و هم‌معنی با آن در نظر گرفته شده است: «از این رو، دلم شادی می‌کند و جلالم به وجد می‌آید. جسدم نیز در اطمینان ساکن خواهد شد» (*مزامیر* ۱۶: ۹ و ر.ک؛ همان ۲۲: ۹؛ همان ۶۵: ۵ و...).

ج) اعتماد

واژه اعتماد نیز از جمله کلماتی است که می‌توان آن را هم مترادف با اطمینان در نظر گرفت و هم مترادف با توکل و امید، البته از این نظر که کسانی که به خداوند امید دارند، در واقع، به هیچ انسان و قدرتی غیر از او اعتماد و امیدی ندارند و اعتماد آنها تنها به خداوند است: «من بی‌صبرانه منتظر کمک از جانب خداوند هستم؛ زیرا به وعده او اعتماد دارم» (*مزامیر* ۱۳۰: ۵ و ر.ک؛ همان ۴۰: ۴ و...).

د) ملجأ و پناهگاه

کسی که به خداوند امید دارد، او را تنها قبله آمال و دردهای خود می‌داند و در مواقع سختی به او پناه می‌برد، چون مطمئن است که او را در پناه خود خواهد گرفت: «برای من باعث ترس مباش که در روز بلا ملجاء من تویی» (ارمیا ۱۷: ۱۷ و ر.ک؛ *مزامیر* ۱۴: ۶؛ همان ۶۱: ۳؛ همان ۷۳: ۲۸؛ همان ۹۱: ۹ و...).

۲-۴) مبدأ و مقصد رجاء

تنها خداوند مبدأ و هدف و مقصود رجاء است. امید به خداوند به واسطه اعمال قدرت متعالی آن، به منظور تحقق بخشیدن به وعده‌ای که به ابراهیم داده بود (ر.ک؛ پیدایش ۳-۱: ۱۲)، در تاریخ ایجاد شده است. او بنی‌اسرائیل را از بندگی و اسارت در مصر نجات داد، نیازهای آنها را در بیابان فراهم کرد، با آنها در طور سینا عهد جمعی بست و آنها را به سمت تصرف موفقیّت‌آمیز کنعان راهنمایی کرد. این اقدامات و اعمال، پایه و اساس محکمی را برای

آنها در اعتمادشان به اهداف مستمر خداوند نسبت به آنها فراهم کرد. حتی زمانی که بنی اسرائیل از ایمان خود برمی گردند و به عهد خود عمل نمی کنند، امیدشان از دست نمی رود. به سبب وفاداری خدا به عهد و رحمت بی کران خود، کسانی که به سوی او باز گردند، می توانند بر کمک او حساب کنند (ر.ک؛ ملاکی ۶-۷: ۳). این کمک شامل بخشش (ر.ک؛ مزامیر ۸۶: ۵) و نجات از دست دشمنان است. بنابراین، ارمیا خداوند را چنین خطاب قرار می کند: «امید اسرائیل و نجات دهنده او در وقت تنگی» (ارمیا ۱۴: ۸ و ر.ک؛ ارمیا ۱۴: ۲۲ و همان ۱۷: ۱۳). در مزامیر، بنی اسرائیل چنین مخاطب واقع شده است: «ای اسرائیل! به خداوند امیدوار باش؛ زیرا محبت تمام ناپذیر و تزلزل ناپذیر نزد خداوند است و نجات و رستگاری کامل نزد اوست. او خودش فدیۀ تمام گناهانتان خواهد داد» (مزامیر ۷-۸: ۱۳۰ و ر.ک؛ همان ۱۳۱: ۳).

نتیجۀ منطقی امید به خداوند، امتناع از امید بستن بر امر مخلوق است. همه اشیا مخلوق، ضعیف، فانی و زودگذر و محکوم به شکست و فناست. به همین دلیل است که امید کامل بستن به اموری نظیر ثروت (ر.ک؛ مزامیر ۶-۱۲: ۴۹ و همان ۵۲: ۷)، خانه (ر.ک؛ اشعیا ۱۷-۱۸: ۳۲)، شاهزادگان و امرا (ر.ک؛ مزامیر ۱۴۶: ۳)، امپراتورها و ارتش هایشان (ر.ک؛ اشعیا ۱-۳: ۳۱ و دوم پادشاهان ۱۹-۲۴: ۱۸)، و یا حتی معبد اورشلیم (ر.ک؛ ارمیا ۱-۷: ۷) بیهوده است. فقط خداوند سخره ای هست که نمی توان تکانش داد (ر.ک؛ مزامیر ۱۸: ۲؛ همان ۶۲: ۲؛ اشعیا ۲۶: ۴) و ملجأ و پناهگاهی است که امنیت کامل را فراهم می آورد (ر.ک؛ مزامیر ۱۴: ۶؛ همان ۶۱: ۳؛ همان ۷۳: ۲۸ و همان ۹۱: ۹).

۵-۲) متعلقات رجاء در مزامیر

الف) امید به خود خداوند

چنان که پیش از این گفته شد، هدف و مقصود و غرض نهایی رجاء، امید به خداوند است، همان گونه که مقصود نهایی از خوف در مزامیر، ترس از خداوند می باشد. به همین دلیل، متعلق اکثر قریب به اتفاق آیات، امید به خداوند است؛ زیرا مرجع تمام آیاتی که در آن دعوت به

امید می شود و یا امیدواری از طرف پیامبران مطرح شده، خداوند است: «خداوند را همیشه پیش روی خود می دارم، چون که به دست راست من است، جنبش لغزش {نخواهم کرد. از این رو، دلم شادی می کند و جلالم به وجد می آید. جسدم نیز در اطمینان ساکن خواهد شد» (مزمیر ۹۸: ۱۶ و ر.ک؛ مزمیر ۳۱: ۲۴؛ همان ۳۳: ۲۲ و همان ۳۸: ۱۵). یا این آیه: «اینک ای خداوند! به چه چیزی امیدوار باشم؟ امید من به توست» (مزمیر ۳۹: ۷ و ر.ک؛ مزمیر ۴۲: ۵؛ همان ۴۲: ۱۱؛ همان ۴۳: ۵؛ همان ۶۵: ۵؛ همان ۷۱: ۱۴؛ همان ۷۸: ۷؛ همان ۱۱۹: ۴۹؛ همان ۱۳۰: ۵؛ همان ۱۳۰: ۷؛ همان ۱۳۱: ۳؛ همان ۱۴۶: ۵...).

ب) امید به وعده ها و کلام خداوند

خداوند بر اساس عهدی که با قوم خود بسته، وعده های بسیاری را به قوم خود داده است. وعده هایی که به حضرت ابراهیم، حضرت یعقوب، اسحاق و موسی و پیامبران دیگر می دهد، این امید را در دل انسان همیشه زنده نگه می دارد که همواره باید به خداوند امید داشت، حتی زمانی که آدمی مرتکب گناهی شده، انتظار بخشش دارد: «کلام خود را با بنده خویش به یاد آور که مرا بر آن امیدوار گردانیدی» (مزمیر ۱۱۹: ۴۹ و ر.ک؛ همان ۱۱۹: ۸۱؛ همان ۱۱۹: ۱۱۴؛ همان ۱۱۹: ۱۱۶؛ همان ۱۳۰: ۵؛ همان ۱۴۷: ۱۱۹ و...).

ج) امید به رحمت خداوند

خداوند کسانی را که به او ایمان دارند و احکام او را به جای می آورند، دوست دارد و رحمت خود را از آنها دریغ نمی کند. به همین سبب، آنها همیشه چشم امیدشان به رحمت خداوندی است: «اینک چشم خداوند بر آنانی است که از او می ترسند؛ بر آنانی که انتظار رحمت او را می کشند» (مزمیر ۳۳: ۱۸ و ر.ک؛ همان ۳۳: ۲۲؛ همان ۱۴۷: ۱۱ و...).

د) امید به نجات الهی

آرزوی قلبی هر انسان مؤمنی این است که نجات الهی شامل حال او شود: «ای خداوند! به نجات تو امیدوار هستم و اوامر تو را به جا می آورم» (مزمیر ۱۱۹: ۱۶۶). حتی خود خداوند نیز

و عده داده که کسانی که به او امیدوار باشند و راه او را در پیش گیرند، آنها را از دست دشمن و هر نوع بلا و شری نجات خواهد داد (ر.ک؛ مزامیر ۸۷: ۱۳۰ و همان ۱۳۱: ۳).

ه) امید داشتن به داوری‌های خداوند

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، انسان مؤمن به رحمت خداوند و به خود خداوند امیدوار است و به همین سبب، در راستای امید به خداوند، به داوری‌های خداوند نیز نسبت به خود خوش‌بین می‌باشد: «و کلام راستی را از دهانم بالکل مگیر؛ زیرا که به داوری‌های تو امیدوارم» (مزامیر ۱۱۹: ۴۳ و...).

و) امید به زندگی و حیات دنیوی

بدون وجود امید، ادامه زندگی برای آدمی غیرممکن است. در واقع، امید از محرک‌های قدرتمند انسان برای ادامه حیات است و به او نیرو می‌دهد: «چه نیرویی در من باقیمانده است که زنده باشم؟ به چه امیدی به زندگی ادامه بدهم؟» (ایوب ۶: ۱۱ و ر.ک؛ مزامیر ۲۲: ۹ و...).

۶-۲) اقسام رجاء در مزامیر

۱-۶-۲) رجاء ممدوح

الف) امید به خداوند

از آنجا که تنها خالق حقیقی انسان و جهان و تنها کسی که می‌تواند با قدرت بی‌کران خود تقدیر امور را رقم بزند و همه چیز در برابر عظمت و جلال او رنگ می‌بازد، خداوند است، پس تنها خداوند می‌تواند بهترین امید برای انسان باشد: «اینک ای خداوند! به چه چیزی امیدوار باشم؟ امید من به توست» (مزامیر ۳۹: ۷ و ر.ک؛ همان ۴۲: ۵؛ همان ۴۲: ۴۲؛ همان ۴۳: ۵؛ همان ۶۵: ۵؛ همان ۷۱: ۵؛ همان ۷۱: ۱۴؛ همان ۷۸: ۷؛ همان ۱۱۹: ۴۹؛ همان ۱۳۰: ۵؛ همان ۱۳۰: ۷؛ همان ۱۳۱: ۳ و همان ۱۴۶: ۵).

ب) امید به محبت بی‌پایان خداوند

محبت بی‌پایان خداوند عاملی بسیار مؤثر و امیدبخش در زندگی انسان است. امید به محبت و رحمت خداوند باعث تحرک انسان شده، او را از جمود و ناامیدی بازمی‌دارد. محبتی که خداوند خود آن را بی‌پایان می‌داند و از مردم دعوت می‌کند تا در هر شرایطی به او امید و توکل داشته باشند: «ای اسرائیل! بر خداوند توکل کن؛ زیرا از روی محبت پایدارش همیشه مایل است که شما را نجات بخشد» (مز/میر ۱۳۰: ۷ و ر.ک؛ همان ۱۴۷: ۱۱ و همان ۳۳: ۱۸).

ج) امید به کلام خداوند

امیدواری به کلام خداوند و وعده‌های او چیزی است که در دل هر مؤمنی وجود دارد؛ زیرا خود خداوند پیروانش را وعده داده تا اگر به فرمان‌های او عمل نمایند و در راهی که او مشخص نموده، قدم بردارند، او نیز برای آنها همچون یک پدر باشد (ر.ک؛ اشعیا ۲۲: ۲۱)، بلکه مهربان‌تر از پدر خواهد بود و به این سبب است که در باب ۱۱۹ مز/میر (آیه ۴۹) خطاب به خداوند چنین می‌فرماید: «کلام خود را با بنده خویش به یاد آور که مرا بر آن امیدوار ساختی» (مز/میر ۱۱۹: ۴۹ و نیز ر.ک؛ مز/میر ۱۱۹: ۷۴؛ همان ۱۱۹: ۸۱؛ همان ۱۱۹: ۱۱۴ و همان ۱۱۹: ۱۴۷).

د) امید به نجات و رستگاری انسان

بزرگترین آرزوی هر انسان مؤمنی در مز/میر این است که از نجات خداوند برخوردار شود: «ای خداوند! برای نجات تو امیدوار هستم و اوامر تو را به جا می‌آورم» (مز/میر ۱۱۹: ۱۶۶ و...). علاوه بر این‌ها، می‌توان به «امید به احکام و فرمان‌های الهی» و «امید به داوری‌های خداوند» (ر.ک؛ مز/میر ۱۱۹: ۴۳) نیز اشاره کرد.

۲-۶-۲) رجاء مذموم: امید به غیرخداوند

همان‌گونه که خداوند یهوه در اولین فرمان از ده فرمان می‌فرماید: «تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد» (خروج ۲۰: ۳)؛ زیرا غیرت خداوند (ر.ک؛ خروج ۲۰: ۵) اجازه نمی‌دهد که قوم

او بت‌ها و خدایان دیگری را بیرستند (ر.ک؛ مزامیر ۳-۱۱: ۱۱۵؛ همان، ۴۹: ۶ و همان ۱-۷: ۵۲). در مزامیر، امید بستن به کسی مفید است که بتواند انسان را به ساحل امنی برساند و او را نجات دهد، نه بر کسی که خود را نیز نمی‌تواند در بلایا و سختی‌ها نجات دهد، پس بهتر است که امید انسان کسی باشد که خودش نیازی به نجات نداشته باشد: «به رهبران انسانی امید مبنید. هیچ انسانی نمی‌تواند نجات بدهد. روح او بیرون می‌رود و او به خاک برمی‌گردد و در همان لحظه فکرهايش نابود می‌شود. خوشا به حال آن که خدای یعقوب مددکار اوست که امید او بر یهوه، خدای وی، می‌باشد» (مزامیر ۳-۷: ۱۴۶).

۷-۲) راه‌های کسب رجاء

الف) اعتماد به خداوند باعث پیدایش امید به خداوند می‌شود

نتیجه روانی اعتماد کردن به کسی آن است که این احساس در وجود او شکل می‌گیرد که می‌تواند به شخص مورد اعتماد خودش تکیه کند، راز خود را به او بگوید، از او کمک بخواهد و در سختی‌ها به او امیدوار باشد (ر.ک؛ مزامیر ۶۲: ۵). این تکیه کردن به طرف مقابل را می‌توان نسبت به خداوند، همان «توکل» نام نهاد که در واقع، همراه با اعتماد است. توکل به خداوند نیز به انسان امید می‌دهد: «چون تو ای خداوند! امید من هستی. از جوانی به تو توکل نموده‌ام» (مزامیر ۷۱: ۵ و ر.ک؛ همان ۳۱: ۱ و...).

ب) دعا کردن به پیشگاه خداوند

دعا کردن به پیشگاه خداوند، علاوه بر اینکه باعث آرامش قلبی می‌شود (ر.ک؛ امثال ۱۰: ۲۸). نتیجه دیگر آن اینکه انسان نسبت به خداوند و الطاف خداوندی امیدوارتر می‌شود (ر.ک؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۴۷ و ر.ک؛ ۱۱۹: ۱۱۶؛ همان ۱۰: ۱۷؛ همان ۳۱: ۲ و...).

ج) کسب حکمت

کسب حکمت و آگاهی باعث می‌شود تا آدمی جهان اطراف و مخصوصاً خالق آن را بهتر بشناسد، فلسفه آفرینش و زندگی را درک کند و مهم‌تر از آن اینکه با کسب حکمت، ترس او

از خداوند بیشتر می‌شود (ر.ک؛ من/میر ۱۱۱: ۱۰) و در نتیجه، امید و ایمان او نسبت به خداوند بیشتر می‌شود: «فرزندم! همان طور که خوردن عسل دهان تو را شیرین می‌کند، کسب حکمت نیز برای جان تو شیرین خواهد بود. کسی که حکمت می‌آموزد، آینده خوبی در انتظارش می‌باشد و امیدهایش بر باد نمی‌رود» (امثال سلیمان ۲۴: ۱۴؛ همان ۲۶: ۱۲ و...).

د) یادگیری احکام الهی و عمل به آنها

یادگیری احکام الهی باعث توکل و اعتماد به او می‌شود (ر.ک؛ من/میر ۷۶: ۷۸). همچنین، باعث می‌شود تا آدمی به احکام الهی درست عمل نماید. عمل به احکام و فرمان‌های الهی و ستایش او نیز باعث امیدواری به خداوند و نجات خداوندی و رحمت بی‌کران او می‌شود: «ای خداوند! برای نجات تو امیدوار هستم و اوامر تو را به جا می‌آورم» (من/میر ۱۱۹: ۱۶۶ و ر.ک؛ همان ۷۱: ۱۴؛ همان ۱۱۹: ۴۳ و...).

ه) به یاد آوردن وعده‌های خداوند

وعده‌هایی که خداوند به قوم خود در من/میر می‌دهد، آن قدر زیاد است که در صورت وفای به عهد از سوی بنی‌اسرائیل، سعادت کامل دنیوی و برخوردارگی کامل از نعمات خداوندی را در پی دارد. همین وعده‌های خداوند است که به انسان انگیزه اجرای احکام الهی، سلوک در راه یهوه، دوری از خدایان دیگر و به طور کلی، عمل به عهدی را که با خداوند بسته می‌دهد. حتی یادآوری این وعده‌ها نیز برای او امیدوارکننده است: «وعده‌هایی را که به این بندهات داده‌ای به یاد آور؛ زیرا آنها به من امید داده‌اند» (همان ۱۱۹: ۴۹ و ر.ک؛ همان ۱۱۹: ۸۱؛ همان ۱۱۹: ۱۱۴؛ همان ۱۱۹: ۱۱۶؛ همان ۱۳۰: ۵ و...).

و) ترس از خداوند باعث امیدواری به خداوند می‌شود

نتیجه ترس از خداوند، ایمان به او و اجرای فرمان‌های او و نیز نترسیدن از غیر خداوند است: «آنان که از تو می‌ترسند، از دیدن من خوشحال می‌شوند، چون من هم به وعده تو امیدوارم» (همان ۱۱۹: ۷۴ و...).

۸-۲ آثار و نتایج رجاء به خداوند

الف) امید به خداوند باعث افزایش شوق انسان برای ستایش و پرستش خداوند و نیز اطاعت از فرمان‌های الهی می‌شود: «و اما من دایم امیدوار خواهم بود و بر همه تسییح تو خواهم افزود» (منامیر ۷۱: ۱۴ و ر.ک؛ همان ۷۸: ۷؛ همان ۱۱۹: ۱۶۶ و...).

ب) برخورداری از برکات و رحمت خداوند. از نتایج امید به خداوند این است که وقتی خداوند ببیند امید کسی در دنیا تنها اوست، خداوند او را مورد رحمت خود قرار می‌دهد: «ای خداوند! رحمت تو بر ما باد، چنان که امیدوار تو بودیم» (همان ۳۳: ۲۲ و ر.ک؛ همان ۲۷: ۱۳ و...).

ج) برخورداری از رضایت خداوندی نصیب کسانی می‌شود که فقط به او امید دارند: «رضامندی خداوند از ترسندگان وی است و از آنانی که به رحمت وی امیدوارند» (همان ۱۴۷: ۱۱؛ همان ۴۴: ۳ و...).

د) رهایی از پریشانی و افسردگی و برخورداری از نجات خداوندی: «چرا این قدر افسرده‌ام؟ چرا این قدر در مشکلاتم غرق شده‌ام؟ بر خدا امیدوار خواهم بود و یک بار دیگر او را حمد خواهم گفت. خدای من و نجات‌دهنده من» (همان ۴۲: ۵ و ر.ک؛ همان ۴۲: ۱۱؛ همان ۴۳: ۵ و همان ۶۵: ۵).

ه) امید به خداوند باعث توکل به او می‌شود که نتیجه آن نیز برخورداری از پشتیبانی خداوند و حفظ انسان در مقابل بلاها و انسان‌های شریر می‌شود: «چون تو ای خداوند، امید من هستی، از جوانی به تو توکل نموده‌ام» (همان ۷۱: ۵). مرا از دست توطئه دشمنان نجات بده و مرا تنها مگذار و آنها را سرافکنده و پریشان گردان؛ زیرا «امید من همیشه به تو می‌باشد و بیشتر و بیشتر تو را ستایش می‌کنم» (همان ۷۱: ۱۴ و ر.ک؛ همان ۱۱۹: ۱۱۴؛ همان ۱۳۰: ۵؛ همان ۱۳۰: ۷ و...).

و) هر کس به خداوند امید داشته باشد، خداوند جواب دعا و خواسته‌های او را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت؛ «زیرا که ای خداوند، انتظار [امید] تو را می‌کشم. تو ای یهوه خدایم جواب خواهی داد» (همان ۳۸: ۱۵ و ر.ک؛ ۱۰: ۱۷؛ همان ۴۰: ۱ و...).

ز) تقرب به خداوند در عالم مردگان و کمک خداوند به انسان و دستگیری از او: «از این رو، دلم شادی می‌کند و جلالم به وجد می‌آید. جسد من نیز در امید و اطمینان ساکن خواهد شد؛ زیرا جانم را در عالم اموات ترک نخواهی کرد و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را بیند» (همان ۹-۱۰: ۱۶). کسانی که به خداوند امید دارند و از فرمان‌های او پیروی می‌کنند، وقتی بمیرند، خداوند پناهگاه و ملجاء آنها خواهد بود.

ح) خداوند مراقب کسانی است که به او امید دارند (ر.ک؛ همان ۳۳: ۱۸ و همان ۳۳: ۲۰) و یار و مددکار کسی است که به او امید بسته‌است (ر.ک؛ همان ۱۴۶: ۵؛ همان ۱۳۰: ۵ و...).

ط) امید به خداوند تسلی‌بخش انسان در سختی‌ها و گرفتاری‌ها و امید به نجات یافتن به واسطه وعده‌هایی است که خداوند به سبب رحمت گسترده‌اش به بندگانش داده است: «کلام خود را با بنده خویش به یاد آور که مرا بر آن امیدوار گردانیدی. این در مصیبت تسلی من است؛ زیرا قول تو مرا زنده ساخت» (همان ۴۹-۵۰: ۱۱۹ و ر.ک؛ همان، ۱۱۹: ۸۱؛ همان ۱۱۹: ۱۱۶ و...).

ی) کسب نشاط و آرامش. انسان امیدوار در درون خود هیچ ترس و نگرانی از غیر خداوند ندارد و این امر به او اطمینان قلبی می‌بخشد. او می‌داند که هر چه هست، غیر دوست ارزش دلهره و اضطراب ندارد، ولی در دل انسان شریک و بدکار و به قولی گناهکار همیشه تشویش و اضطراب وجود دارد و تکیه‌گاهی برای خود ندارد که به او آرامش دهد: «از این رو، دلم شادی می‌کند و جلالم به وجد می‌آید؛ جسد من نیز در اطمینان ساکن خواهد شد» (همان ۱۶: ۹ و ر.ک؛ همان ۳۳: ۲۱).

ک) برخورداری از قوت قلب و دوری از ناامیدی: امید به خداوند باعث می‌شود تا انسان به یأس و ناامیدی دچار نشود: «مرا به حسب کلام خود تأیید کن تا زنده شوم و از امید خود خجل نگردم» (همان ۱۱۹: ۱۱۶ و ر.ک؛ همان ۲۷: ۱۴).

ل) امید عاملی قوی برای ادامه زندگی. از آثار بسیار مهم امید در زندگی دنیوی قابل تحمل شدن سختی‌ها برای انسان و توانایی حفظ حیات و سیر زندگی انسان است که اگر نباشد زندگی هم در کار نیست (ر.ک؛ همان ۲۲: ۹ و...).

م) برخورداری از شجاعت و قدرت در سایه امید به خداوند: «ای کسانی که امیدتان به خداست، شجاع و قوی باشید» (همان ۳۱: ۲۴ و...).

ن) کسانی که به خداوند امید داشته باشند، هرگز شرمنده و رسوا نخواهند شد: «ای خداوند! منتظران تو به سبب من خجل نشوند. ای خدای اسرائیل طالبان تو به سبب من رسوا نگردند» (همان ۶۹: ۶ و...).

نتیجه‌گیری

- بر اساس آنچه که گذشت، رجاء یا امید در قرآن به معنی شادی و سرور قلبی به سبب انتظار امری محبوب پس از فراهم آوردن اسباب آن می‌باشد. پس از ویژگی امید اقتضای رسیدن به شادی و امر محبوب در آینده است. در مزامیر، امید به معنای انتظار خوش‌بینانه، به‌ویژه درباره تحقق وعده‌های خداوند است. در این تعریف نیز شادی و سرور دل و آینده‌نگری مقتضای امید است. پس از این لحاظ می‌توان گفت تعریف هر دو متن از امید یکی است. اما به لحاظ مصادیق ممکن است تفاوت‌هایی در هر دو کتاب وجود داشته باشد. از جمله اینکه در قرآن امید به رحمت خداوند بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است و در مزامیر، امید به وعده‌های خداوند مورد تأکید است. با این حال، در هر دو کتاب موضوع و مقصد امید، خود خداوند است.

- نکته دیگری که در این باب می‌توان ذکر کرد اینکه اساس امید در *مزامیر* بر اطمینان، اعتماد و توکل استوار است و همراهی این کلمات و مفاهیم با امید به حدی است که در جاهای بسیاری، این کلمات به معنی امید به کار برده می‌شود.

- بیشتر آیاتی که در هر دو کتاب بر امید دلالت می‌کنند، متعلقات آن‌ها خود خداوند است. بدین سبب که هر دو دین، دین توحیدی است و هر مسئله‌ای که مطرح می‌شود، در باب خداوند واحد قهار است. اگر ترسی است، باید از خداوند واحد باشد، اگر امیدی است، باید به او باشد و اگر عبادت و پرستشی مطرح شود، باز باید موضوع پرستش، خداوند باشد. این مسئله، یعنی توحید و اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال در هر دو دین از اصول اولیه است. امید تنها نسبت به اوست که ارزش و معنا پیدا می‌کند، چون برای یک فرد مؤمن غیر خدا معنایی ندارد که بشود به آن امید بست یا از آن ترسید، به این سبب که قبل از هر چیزی اعتقاد به وحدانیت خداوند را قبول کرده‌است. در وهله دوم، امید به قیامت و پاداش اخروی در *قرآن*، اهمیت دارد ولی در *مزامیر*، امید به وعده‌های خداوند و کلام او و بعد از آن، امید به رحمت خداوند قرار می‌گیرد، در حالی که در *قرآن*، امید به رحمت خداوند با اینکه همان امید به خداوند است خیلی بیشتر آمده‌است و در مرتبه بالای اهمیت قرار دارد.

- امید مطرح در *قرآن* با تمام متعلقات آن، در سایه امید به خداوند معنا پیدا می‌کند. به این دلیل که ویژگی‌های خداوند در *قرآن* خیلی متعالی‌تر و والاتر از خدایی است که در *مزامیر* مطرح است. خدای *مزامیر* در میان مردم هست، با آنها به جنگ می‌رود، در راه مراقب آنهاست و راه را به آنها نشان می‌دهد و از آنها در مقابل دشمن حفاظت می‌کند و اموری از این دست که باعث می‌شود مردم هر لحظه دست غضب خداوند را بالای سر خود احساس کنند. بنابراین، خدای *مزامیر* محسوس‌تر است و حوادث و اتفاقاتی که رخ می‌دهد، در زندگی تأثیرگذارترند. ویژگی متن نیز این است که به جزئیات زندگی روزمره قوم یهود، همچون پیروزی‌ها، شکست‌ها و غیره می‌پردازد. این مسئله، گستره امید را خیلی زیاد می‌کند و علاوه بر امور معنوی، امور دنیوی را نیز شامل می‌شود. اما خدای مطرح در *قرآن* بسیار متعالی و منزّه و در عین حال، در قلوب مؤمنان است. این تعالی بسیار خداوند در *قرآن* باعث می‌شود تا امید مطرح

در آن نیز بیشتر مربوط به خداوند باشد یا اگر مربوط به چیز دیگری است، باز در راستای امید به خداوند باشد.

- بحث دیگری که باید به آن اشاره کرد، اقسام امید در هر دو کتاب است. در این باب، امید را می‌توان به دو بخش امید به امور دنیوی و امید به امور معنوی تقسیم کرد. دربارهٔ امور معنوی از موارد مشترک در هر دو کتاب می‌توان به امید به خداوند، امید به رحمت خداوند، امید به بخشش الهی، امید به نجات الهی و امید به هدایت الهی اشاره کرد. در باب امور دنیوی نیز موارد متعددی در هر دو کتاب وجود دارد که بنا بر موضوع آیات مربوط به امید، فرق می‌کند.

- در هر دو کتاب، راه‌هایی برای کسب امید و رفع ناامیدی ذکر شده‌است. اولین راهکاری که در هر دو کتاب به آن تأکید شده، رو آوردن به خداوند و به عبارتی، توبه است. البته دعا کردن و عمل به احکام الهی نیز ذکر شده‌است. هر دو کتاب، ترک خداوند و گمراهی را از عوامل اصلی ناامیدی ذکر کرده‌اند و راهکار آن را روی آوردن به خداوند و توبه می‌دانند.

- آثار و نتایج رجاء و امیدواری به خداوند را نیز می‌توان به دو بخش امور دنیوی و معنوی تقسیم کرد. در باب امور دنیوی می‌توان به رهایی از ناامیدی و تداوم زندگی همراه با امید، افزایش قوای روحی و کسب آرامش و شادی و نیز کاهش ترس و اضطراب در هر دو کتاب اشاره کرد. البته در منامیر به اموری نظیر کسب شجاعت، شوکت و جلال، شفا یافتن بیماری‌ها و برخورداری از نعمات دنیوی و غیره نیز اشاره می‌شود. اما در باب امور معنوی می‌توان به مهم‌ترین آثار و نتایج آن، از جمله اطاعت از فرمان‌های الهی، ستایش و عبادت خداوند، رو آوردن به خداوند و اعمال صالح و غیره اشاره کرد.

البته در هر دو متن، امیدواری به خداوند آثار و نتایج خاصی دارد که بنا بر شرایط زمان الهام وحی و نیز شرایط مردمان آن زمان فرق می‌کند؛ مثلاً نتایج امید در منامیر بیشتر مربوط به امور دنیوی و قومی و در باب خود خداوند است و در قرآن، علاوه بر اینها، امور اخروی و برخورداری از نتایج شیرین جهان دیگر هم مطرح است.

- در پایان، باید گفت که بر اساس آموزه‌های قرآن و مزامیر داوود، رجاء یا امید به بخشی از ابعاد روانی انسان اشاره دارد که با تقویت آن می‌توان مسیر پر پیچ و خم زندگی را با همه دشواری‌های آن طی کرد و تلخی‌های آن را به شیرینی تبدیل نمود. عصاره این شیرینی همان امید به خداوند است؛ امیدی که تنها دژ مستحکم و قابل اتکا برای انسان است. از سوی دیگر، رجاء و امید او را در رسیدن به کمال و سعادت دنیوی و اخروی یاری نماید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

صحیفه سجاده.

- کتاب مقدس. (۱۸۹۶). ترجمه هنری مارتین. تهران: انجمن کلیمیان.
- ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۰ ق.). *لسان العرب*. ط ۱. بیروت: دار صادر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق.). *مفردات فی الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. ط ۱. دمشق: دارالقلم.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۸۲). *المعجم الوسیط*. ج ۱. بی‌جا: انتشارات اسلامی.
- بن داوید، ا. (۱۳۳۷). *کلیات قوانین تورات*. تهران: انجمن کلیمیان.
- بهرامی، عبدالرضا. (۱۳۷۹). *بررسی خوف و رجاء از دیدگاه قرآن و سنت*. ج ۱. همدان: انتشارات دانشجو.
- بیات، بیت‌الله. (۱۴۲۱ ق.). *فروق اللغه*. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- تورات با ترجمه فارسی*. (۱۳۶۴). ترجمه ماشاءالله رحمان پورداد و موسی زرگری. ج ۱. تهران: انتشارات علمی - انجمن کلیمیان تهران.
- حسینی، داود. (۱۳۸۳). «شناخت درمانی در منابع اسلامی». *معرفت*. ش ۸۷، صص ۵۷-۶۶.
- حییم، سلیمان. (۱۳۶۵). *فرهنگ عبری-فارسی*. ج ۲. تهران: انجمن کلیمیان تهران.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). *قرآن پژوهی*. ج ۱. تهران: انتشارات دوستان.
- شریف‌الرضی، محمدبن حسین. (۱۳۸۰). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. ج ۲۳. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقات امیرالمؤمنین (ع).

- شریعتمداری، جعفر. (۱۳۷۵). *شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه*. ج ۱. مشهد: انتشارات آستان قدس.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۳ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ط ۲. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق.). *مجمع البیان لعلوم القرآن*. ط ۲. بیروت: دار المعرفة.
- عبدالباقی، محمد فؤاد. (۱۳۶۴). *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*. قاهره: مطبعة دارالکتب المصریة.
- عروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. ط ۴. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فیض الإسلام، سیدعلینقی. (۱۳۸۷). *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*. تهران: انتشارات فقیه.
- قزائنی، محسن. (۱۳۸۲). *تفسیر نور*. ج ۱. تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
- قرب، محمد. (۱۳۶۶). *فرهنگ لغات قرآن*. ج ۱. تهران: انتشارات بنیاد.
- قربشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۸). *تفسیر أحسن الحدیث*. ج ۳. تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- _____ . (۱۳۷۵). *قاموس قرآن*. ج ۷. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کهن، آبراهام. (۱۳۸۲). *گنجینه ای از تلمود*. ترجمه امیر فریدون گرگانی. ج ۱. تهران: انتشارات اساطیر.
- مجتبی، یوسف. (۱۳۶۱). *گزیده ای از کتاب مقدس «تورات»*. ج ۱. تهران: انجمن کلیمیان تهران.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۱۶ق.). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. ط ۱. تهران: مؤسسه الطباعة والنشر.
- _____ . (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. ج ۱. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۶۹). *تفسیر نمونه*. ج ۷. قم: دارالکتب الإسلامیة.
- نراقی، ملا مهدی. (۱۳۸۵). *جامع السعادات*. ترجمه کریم فیضی. ج ۱. قم: انتشارات قائم آل محمد (ص).

- Bible, King James Version (1769) with Strong's Numbers and Morphology, Sword.** Version Date; 2006-10-09. Version; 2.3.
- DE- Lange, Nicholas. (2004). *An Introduction to Judaism*. UK: University of Cambridge.
- Dictionary.com. (2013). "Hope". Retrieved: 2013-01-26; <http://dictionary.reference.com/browse/hope>.
- Dominy Bert, Holman. (2013). *Bible Dictionary*. "Hope". Retrieved: 2013-01-26; <http://www.studydrive.org/dic/hbd/view.cgi?number=T2841>.
- Easton, M.G. (1897). *Easton's Bible Dictionary*. 3th Edit. USA: Published by Thomas Nelson.
- Even- shoshan, Abraham. (1990). *A new concordance of bible Hebrew and aramic*. Edited by Kiryat Sefer HLT. Jerusalem.
- Freedman, David Noel. (1992). *The Anchor Bible Dictionary*. New York.
- Lawson, Steven J. & Holman Anders Max. (2005). *Old Testament Commentary*. 20 Vol. B & H Publishing Group, Jan 1.
- Merriam, C. & G. Websters. (2002). Version 1.1. Last edited: February 11, 1999. Sword Version; Date 2002-01-01.
- Nelson, William B. Jr. (2013). *Baker's Evangelical Dictionary of Biblical Theology*. "Hope". Retrieved: 2013-01-26; <http://www.studydrive.org/dic/bed/view.cgi?number=T350>
- Orr, James and et al. (2008). *International Standard Bible Encyclopedia*. "Fear and Hope". Electronic version; 1.6. Version Date: 2008-11-26.
- Oxford dictionaries*. (2013). "Hope". Retrieved; 2013-01-26, <http://oxforddictionaries.com/definition/english/hope>.
- Skolnik, Fred. (2007). *Encyclopedia Judaica*. 2th Edit. Thomson Gale.
- Studydrive website. (2013). *Old Testament Hebrew*. "Hope". Retrieved: 2013-01-26; <http://www.studydrive.org/lex/heb/search.cgi?word=hope>.



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ